



www.kurdistanmedia.com

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۶۴ شنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۸، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۹



پیشمرگه ضرورت و نیاز

۷



به احترام
مشتهای گرده کرده یک نوجوان

۶



سقوط حتمیست
نقطه غیرقابل بازگشت

۵



نتوانستند و نمی‌توانند و نخواهند
توانست ...

۴

سینه

پیشمرگه و
پژواک لوله تفنگ
کریم پرویزی

عقاب‌هایی که مرگ را افسار می‌کنند

زمانی نام پیشمرگه بر زبان می‌آید، نخستین تصویری که در ذهن تجسم می‌گردد، فرد کوردی است که با اسلحه ساده انفرادی بر دوش و بر خاک کوردستان و به میهن خویش می‌نگرد. این تصور پر از نماد و رمز است که از تاریخچه مبارزات ملتی نشأت می‌گیرد که مانند کوهستان مداوم تحت رگبار خنجر و موشک و بمب نفرت و انزجار کولونالیسم جنایتکار قرار گرفته و مانند کوهستان نیز استوار باقی مانده و باقی خواهد ماند و در دل تاریخ سرپا ایستاده است، با جسمی آغشته در خون، اما سرافراز. پیشمرگه شخصیتی در کوردستان است که باید با رمز ماندگاری و ایستادگی و مقاومت و تسلیم ناپذیری، که راز کوهستان را پیشمرگه به داخل ملت گسیل می‌دارد و نسل آینده را آموزش و تعلیم می‌دهد. اما این تصور شاید ما را دچار اشتباه نماید. شاید چنین تصور نماییم که تنها در زمان سختی و مصائب و زمانی که نیروی اشغالگر کونالیستی اقدام به قتل عام مردم یا غارت کوردستان می‌نماید، پیشمرگه نمایان گردد و با آنان درگیر شده و آنان را به عقب رانده و دوباره پیشمرگه به لانه پلنگ برگشته و زندگی به حالت عادی برمی‌گردد... اینگونه تصورات از پیشمرگه برخی از بعدهای واقعی را بر ما می‌پوشاند. زیرا که تصویری ناقص است و تنها گوشه‌ای کوچک از فلسفه و اعتقادات پیشمرگه را نمایان می‌سازد. پیشمرگه بودن، این ابعاد را در خود دارا می‌باشد که با دشمن مقابله کرده و با صدای رگبار، سکوت تلخ تاریخ را می‌شکند، این برچسب زدن در داستان‌های تاریخ و در حماسه‌های مقاومت و جانفدایی پیشمرگه به صدها مرتبه تکرار گشته و خیلی اوقات نیز به اوج رسیده است. در برخی تصورات بی‌نظیر نیز مانند «ملا حسن شیوسلی» همچنان در اوج مانده و خواهد ماند. اما پیشمرگه بودن تنها به این بعد که گاه گاهی صدای رگبار اسلحه آن بیاید گره نخورده

ادامه در صفحه ۳



با نام "پیشمرگه تو سه‌نگه‌ری" از سوی گروه سرود "نوه‌های قاسملو" و سرودی کلهری با نام "هیز گرن" از سوی هنرمند "غلام فاتحی"، تقدیم حضار شد. در این مراسم چندین شعرو سرود انقلابی قرائت شده و مراسم با شادی پیشمرگه‌های نیروی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید. همچنین به مناسبت روز پیشمرگه در شهرهای کوردستان و ایران و خارج کشور فعالیت‌های ویژه انجام گرفت.

شد. این مراسم با خواندن سرود ملی "ای رقیب" از سوی جمعی از پیشمرگه‌های دیرین حزب دمکرات آغاز شد. سپس، "صدیق درویشی"، جانشین مسئول ارگان فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان، پیام ارگان فرماندهی را تقدیم حضار نمود. در بخشی دیگر، براساس اصول حزب دمکرات در مراسم ۲۶ آذر ماه، از پیشمرگه‌هایی که عمر مبارزاتی آنان در صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران به بیست سال رسیده تقدیر شده و لوح تقدیر به آنان اهدا گردید. سپس سرودی

پیشمرگه‌های نیروی پیشمرگه‌های کوردستان همراه بود. در این مراسم، جمعی دیگر از میهن‌پرستان کوردستان، به نیروی پیشمرگه کوردستان ملحق و مراسم اختتامیه دوره در همین مراسم برگزار شده و به نفرت برتر از لحاظ سیاسی و نظم و دیسپلین نیز جوایزی اهدا گردید. بخش دوم این مراسم، در یکی از سالن‌های حزب دمکرات کوردستان ایران، با حضور اعضای رهبری حزب دمکرات، کادر و پیشمرگه، خانواده شهیدان و پیشمرگه‌های حزب دمکرات برگزار

کوردستان از سوی دو پیشمرگه دیرین کوردستان به نسل جدید پیشمرگه‌های کوردستان تحویل داده شد تا راه شهدا را ادامه دهند. سپس "حسن شرفی"، جانشین نخست مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران و "کاوه بهرامی" مسئول ارگان فرماندهی، در مقابل نیروهای پیشمرگه کوردستان، "سان" نظامی انجام دادند. نیروهای پیشمرگه کوردستان در چندین دسته متفاوت رژه نظامی صورت دادند. بخش دیگری از این مراسم با نمایش و مانور نظامی جمعی از

به مناسبت ۲۶ آذر ماه روز پیشمرگه کوردستان، مراسمی باشکوه در مقر اصلی حزب دمکرات با حضور اعضای شورای سیاستگذاری، شورای اجرایی، کادر و پیشمرگه‌های حزب دمکرات و خانواده آنان برگزار شد. مراسم با قرائت سرود ملی "ای رقیب" از سوی نیروهای پیشمرگه‌های کوردستان آغاز شد. سپس به نمایندگی پیشمرگه‌های دیرین نیروی پیشمرگه کوردستان و به شیوه‌ای نمادین، پرچم مقدس کوردستان و آرم نیروی پیشمرگه

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران سخنانی را درباره وضعیت کوردستان ایران در اتحادیه اروپا ایراد کرد که متن سخنان وی در پی می‌آید:

ما و "دیگر" ی حکومت ایران ایران جغرافیایی متنوع و سرزمینی کثیرالمله است که از دست کم شش ملیت بزرگ و چندین اقلیت و گروه جمعیتی گوناگون تشکیل شده است. هر یک از این ملیت‌ها دارای ویژگی‌های هویتی و سرزمین نیاکانی خاص خویش می‌باشند. یکی از این ملیت‌ها، آن بخش از ملت کورد است که در استان‌های ایلام، کرمانشان، ارومیه، سنندج و سایر مناطق این جغرافیا سکونت دارند و نزدیک به ده درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. گرچه این ملیت‌ها از نگاه سیاست دولت ایران به عنوان اقلیت شناخته می‌شوند، لیکن روی هم رفته اکثریت جمعیت تشکیل‌دهندی جغرافیای ایران را شامل می‌شوند.

در سرتاسر تاریخ معاصر، علیرغم وجود این تنوع و تکثر ملی و هویتی، شالوده و ساختار حکومت چه در گذشته و چه در حال ، هیچ گونه سنخیت و تجانس‌ی با این بستر متنوع و متکثر نداشته و آنچه که جریان داشته صرفا سیاست انکار و امحای این تنوعات و تفاوت‌ها بوده است. قدرت در مرکز از سوی ملیت فرادست به انحصار کامل درآمد و در معادله‌ای تحت عنوان "مرکز- پیرامون"، مسأله‌ی کثیرالمله بودن ایران هیچگاه در قانون اساسی و گفت‌مان ناسیونالیسم ایرانی جایی نداشته است، بلکه به عنوان مشکلی حساسیت‌برانگیز و موضوعی امنیتی بررسی شده است. در گفت‌مان ناسیونالیسم ایرانی همواره منظور از مرکز، ملیت حاکم یعنی فارس بوده که سایر ملیت‌ها را "دیگر" از خود قلمداد می‌کند.

لیکن کوردستان به دلیل سابقه‌ی مبارزات آزادیخواهانه و سطح بالای بیداری ملی، از همان ابتدای تأسیس و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، تبدیل به میدانی برای مقاومت و دفاع گردیده که به پاس این پیشینه‌ی درخشان، به عنوان "سنگر آزادی" شناخته می شود.

خمینی در ۱۹ آگوست ۱۹۷۹

میلادی علیه ملت کورد، اعلام جهاد نمود که این فتوا تاکنون نیز به جای خود باقیست. در نتیجه‌ی این سیاست، هویت و امنیت ملت کورد در معرض تهدید جدی قرار گرفته که این تهدید ابعاد و جوانب مختلفی را در بر می‌گیرد. گرچه ستم ملی بر تمامی ملیت‌های تحت ستم روا داشته شده، در کوردستان این ستم جنبه‌ی مضاعفی به خود می‌گیرد. در چهارچوب ستم ملی، مناطق سکونت و زیست ملیت‌های غیر فارس، چهره‌ی جغرافیای سرکوب و اشغال شده به خود گرفته‌اند.

منظور از ستم ملی، مجموعه اوضاع و شرایطی است که در آن، بر اساس معیارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی و در مقایسه با مرکز، مناطق ملیت‌های غیر فارس تحت ستم و تبعیض قرار گرفته و مورد سرکوب و بهره‌کشی قرار می‌گیرند.

ویژگی مرکزگرایی و نقش تعیین‌کننده‌ی ایدئولوژی ناسیونالیسم ایرانی، وضعیتی را پدید آورده که در آن هویت مرکز در تضاد با هویت سایرین قرار گرفته است. از این زاویه، هر تصمیم یا فرایندی که از ناحیه‌ی مرکز متوجه موجودیت و بقای ملت کورد و سایر ملیت‌ها شده، مستقیما هویت و امنیت آنان را نشانه گرفته است. حکومت در ایران دارای بار معنایی غیر دمکراتیک، تحمیل‌گرا و اشغال‌گرانه بوده و همواره تلاش کرده است تا کلیه‌ی منابع و سرمایه‌های مناطق ملیت‌ها را تاراج و قبضه نماید.

ضدیت با حق تعیین سرنوشت، سرکوب سیستماتیک، فقدان هرگونه فرصتی برای فعالیت سیاسی آزادانه و قانونی، تاراج سرمایه‌ها و منابع کوردستان و انتقال آنها به مناطق مرکزی، کوچاندن اجباری ساکنان و تلاش برای تغییر بافت جمعیتی (دموگرافی) کوردستان، وارد کردن انبوه مقامات و صاحب منصبان اداری و مدیران غیر بومی وابسته به سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی، به حاشیه راندن نخبگان کورد، کشتار روزمردی کولبران و کاسبکاران، هدف گلوله قرار دادن حامیان محیط زیست و فعالان مدنی و فعالان حقوق زنان، اعدام و زندانی نمودن و سربه‌نیست

کردن فعالان و مبارزان کورد، انتقال منابع آبی، تخریب محیط زیست و به آتش کشیدن جنگل‌های زاگرس، کاشتن مین در مناطق مرزی، میلیتاریزه کردن شهرها و روستاها، امنیتی کردن ادارات، مراکز آموزشی، مساجد و اماکن عمومی، نمونه‌هایی برای اثبات این واقعیت هستند که رابطه‌ی مبتنی بر اشغالگری و بهره‌کشی بر کوردستان سایه افکنده است.

تحمیل نظام آموزشی و رسانه‌ای ایدئولوژیک در راستای نهادینه ساختن این پندار است که ایران تنها شامل یک ملت است و سایر ملیت‌ها قوم و خرده‌فرهنگ هستند. آسیملیه کردن و استحاله‌ی زبان، فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم به طور کلی تلاش برای ایجاد اختلال و ذوب آن‌هاست که در رسانه، کتاب‌های درسی، تئاتر، سینما و پروژه‌های امنیتی و فرهنگی انعکاس یافته است. نکته‌ی جالب توجه، نهادینه شدن سیاست انکار و بهره‌کشی در بطن قوانین ایران است.

معیار مهمی که در رابطه با ستم و تبعیض مضاعف قابل توجه است، موضوع رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و مسائل مرتبط با آن هستند. در دوره‌ی معاصر، مرکز همواره کوشیده است تا ضمن تغییر بافت جمعیتی مناطق ملیت‌ها، آنها را در سطح نازلی از توسعه‌یافتگی نگه دارد و از استانداردهای زندگی امروزی محروم نماید. درآمد حاصله از اقتصاد تک محصولی ایران و سرمایه‌های عمومی کشور، صرف پروژه‌های امنیتی، فرهنگی و نظامی می‌شود که هدف از آنها ایجاد مانع بر سر راه دستیابی به اهداف ملیت‌ها می‌باشد. آمارهای رسمی خود رژیم، معیار دیگری برای ارزیابی و برآورد این عدم توازن است. به عنوان مثال، استان ایلام در زمینه‌ی خودسوزی زنان و سایر شهروندان آن رتبه‌ی نخست را در سرتاسر ایران داراست. استان کرمانشان رتبه‌ی نخست را از لحاظ بیکاری به خود اختصاص داده است. سایر شهرها و مناطق کوردستان نیز در این زمینه‌ها و برخی بحران‌های دیگر، در مقایسه با دیگر مناطق ایران دستخوش بیشترین آسیب‌ها بوده‌اند.

ستم ملی در ایران یر دو مبنا استوار است: نخست، ساختار حکومت،

قانون و قدرت سیاسی و دومی، شامل به اصطلاح اپوزیسیون، روشنفکران، آکادمیسین‌ها و نظریه‌پردازان مفاهیم ایران‌شهری و شوینیس‌م ایرانی است که کارویژه‌ی آنان تولید گفت‌مان و متن لازم جهت تغذیه‌ی تثنویک حکومت ستمگر است تا بدان وسیله توجیهی برای بیش از یکصد سال بهره‌کشی و سرکوب پیدا کنند. بخشی از به اصطلاح اپوزیسیون ایرانی بیش از آن که دغدغه‌ی سرنگونی رژیم سیاسی کنونی را داشته باشند، در نگرانی و تشویشی نابجا از آینده‌ی تمامیت ارضی ایران به سر می‌برند و هراس نهفته‌ای در بطن نوشته‌ها، موضع‌گیری‌ها و دیدگاه‌های آنان به وضوح قابل مشاهده است.

درب منافع ملی ایران همواره بر پاشنه‌ی حاکمیت و فرادستی یک ملت خاص می‌چرخد. هر مسأله‌ای که مرتبط با میل تمامیت‌خواهانه‌ی آنان باشد، ملی، مترقی و رسمی تلقی می‌گردد و جنبه‌ی قانونی بدان داده می‌شود. در مقابل، آنچه که مرتبط با مناطق ملیت‌ها باشد، محلی، عقب‌افتاده، غیر رسمی و غیر قانونی قلمداد می‌شود. شوینیس‌م مرکز به عنوان ملی‌گرایی، مردمسالاری دینی، ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم مدنی تعریف شده و در مقابل، ندای آزادیخواهی و جنبش ملی و دمکراتیک دیگران به عنوان فرقه‌گرایی، ناسیونالیسم قومی، غائله‌آفرینی، وابستگی به بیگانگان، تجزیه‌طلبی و تخطی از حدود و مرزهای امنیت ملی و حاکمیت و استیلا‌ی مرکز خوانده می‌شود.

این‌ها در حقیقت، جوهر راستین گفت‌مان مرکز است که رگه‌های تاریخی آن در تثنوریزه کردن شوینیس‌م باستان‌گرای دوران پهلوی و سپس دوران جمهوری اسلامی بعینه قابل مشاهده است.

در جمهوری اسلامی، ایران اسلامی مفهومی است که از طریق هژمونی زبان فارسی، قرائت ویژه‌ای از یک مذهب خاص و بازگشت به ارزش‌های تمدن اسلامی تعریف شده و ادبیات و متن ویژه‌ای بر مبنای آن تولید نموده‌اند. ستم ملی اساسا از طریق ترسیم مرزهای نابرابری میان مرکز و دیگران ایجاد شده و دارای جنبه‌های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، نهادی، فرهنگی، زبانی،

زیستی و مذهبی است. در این محیط سیاسی و فکری است که راه دستیابی اکثریت مردم به حقوقشان از سوی اقلیت فارس مسدود شده و به شدیدترین نحو ممکن با آن مقابله می‌شود. محروم ساختن ملیت‌ها از حقوقشان، تحقیر و شکل‌گیری احساس استعمار و بی‌حقوقی، تبعیض و سرکوب به صورت مستقیم، غیر مستقیم، ساختاری، قانونی و نهادینه شده است. مجموعه‌ی این شرایط است که بر عمق و دامنه‌ی تضادها، اختلافات و شکاف‌های میان مرکز و ملیت‌های تحت ستم در گستره‌ی جغرافیای ستم و اشغالگری افزوده است.

اگر چه ما به عنوان حزب دمکرات کوردستان ایران از دریچه‌ی هویتی به مسأله‌ی ملی می‌نگریم لیکن حتی از منظر اداری و حقوق شهروندی نیز هیچ کورسوی امیدی برای ملت کورد و سایر ملیت‌ها باقی نمانده است. به همین دلیل از منظر احساس مسئولیت در قبال ملت‌مان، همچنان بر محتوا و جوهر حقوق ملی خویش پای می‌فشاریم.

ذهنیت بی‌اساس مبتنی بر تجزیه‌طلب خواندن ملیت‌ها از سوی مرکز، برای دیگری‌ها بحران امنیت ملی را رقم زده است. تداوم چنین وضعیتی یک اهرم طبیعی و عامل مؤثری برای رهایی ملت کورد و سایر ملیت‌های تحت ستم از این تنگناست. وضعیت کنونی، یک بن‌بست به تمام معناست، بدین معنا که علاوه بر انبوه بحران‌های درهم‌تنیده‌ی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اداری، مسأله‌ی ملی ملیت‌ها نیز همچنان لاینحل مانده است. با این حال ، مرکز به هیچ وجه در برابر این مسائل پاسخگو نیست، بلکه تنها در قبال امنیت و منافع تعریف‌شده‌ی خویش، احساس مسئولیت می‌کند که پیامد آن، ماندگاری و تداوم جغرافیای سرکوب و اشغالگری در مناطقی است که ملیت‌ها در آن ساکنند.

تمامی این‌ها و بسیاری از عوامل دیگر و اصرار مرکز بر تداوم چنین سیاست و برنامه‌ی نادرستی، چشم‌انداز ماندن ملت کورد و سایر ملیت‌ها به دلخواه خود و به گونه‌ای مسالمت‌جویانه در ایران متحد و یکپارچه را به شدت

کوردستان

کوردستان

مصطفی هجری: برای ما در هم پیچیدن طومار عمر جمهوری اسلامی یک هدف جدی است

تضعیف نموده است. از همین رو، خواست و اراده‌ی جدایی در میان دیگری‌های مرکز رو به افزایش است و تبدیل به گفت‌مان غالب در میان بخش چشم‌گیری از افکار عمومی آنان شده است.

رگه‌های این مخالفت با ملت کورد و سایر ملیت‌ها و اراده‌ی مقاومت و ایستادگی در برابر مرکز را باید در بطن مبارزه و پیکار مستمر آنان در برهه‌های حساس حیات جمهوری اسلامی تحلیل و ارزیابی نمود. تازہترین نمونه‌ی عینی این مقاومت، تظاهرات و خیزش‌های مردمی اخیر بود که بر طبق شواهد و اطلاعات میدانی از جمله گزارش سازمان عفو بین‌الملل، اغلب سرکوب‌ها و آمار قربانیان متعلق به جغرافیای ملیت‌های تحت ستم به ویژه در اهواز و کوردستان بوده است. این رویدادها نقطه‌ی عطف و عاملی تعیین‌کننده بودند که سبب گسترش دامنه و عمق شکاف‌ها میان مرکز و ملیت‌های تحت ستم گردید.

برای ما به همان میزان که در هم پیچیدن طومار عمر جمهوری اسلامی یک هدف جدی است، مسأله‌ی ملی و دمکراسی نیز دو خط مشی عمده و دو اصل پایدار و ثابت هستند. لیکن مهمتر از این‌ها، گذار از عقلانیتی است که بخواهد تجربه‌ی رژیم‌های سلطنتی و اسلامی را تکرار کند. از همین رو، بر این باوریم که رهایی از بن‌بست سیاسی کنونی و بنیان نهادن سیستمی کارآمد و پاسخگو در آینده، نیازمند خوانش و عقلانیتی دیگر گونه است. گذشته نشان داده است که هرگاه یک سیستم سیاسی در کشوری کثیرالمله دچار فروپاشی شده و هر کشوری از این قبیل که تجزیه شده، پیامد انباشت بیش از حد قدرت در مرکز و تبعیض و انکار دیگران بوده که در نهایت موجب انفجار نارضایتی و خشم فروخورده و رادیکالیسم انقلابی ملت‌های تحت ستم شده است.

ملت کورد و "دیگری‌ها"ی حکومت ایران به دنبال حاکمیت و حق تعیین سرنوشت خویش به هر نحوی هستند که برایشان میسر و مقدور باشد.

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

دیدار مسئول اجرایی حزب دمکرات از «سنا»ی بلژیک

ایران علیه مردم کوردستان و ایران تاکید و همچنین به عواقب اعتراضات اخیر در ایران و کوردستان اشاره شد. آنچه سناتور "مسماکر" بر آن تاکید داشت، امروزی جلوه دادن این موضوع بود که چگونه کشورهای اروپایی می‌توانند همکار و مانعی در برابر خودسری‌های رژیم ایران باشند، بدان معنا که کشورهای اروپایی بعنوان اعضای جداگانه می‌توانند که موانع را برای رژیم ایران زیاد نمایند. "مصطفی هجری" از این بعد که چگونه باید رژیم اسلامی ایران را در برابر درخواست‌های مردم

"مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران بعد از سفر به اروپا و شرکت در کنفرانس "آینده ملیت‌های ایران" در کشور بلژیک، در روز جمعه ۲۲ آذر ماه، پا سناتور "مارک دی مسماکر" دیداری برگزار نمود. در این دیدار، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران بحث مفصلی نسبت به وقایع اخیر کوردستان و ایران را ارائه داده و مسئله کورد در ایران را بررسی نمود. در این دیدار بیشتر بر اعتراضات اخیر ایران و جنایات رژیم اسلامی



مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی

مصطفی هجری در مراسم روز ملی کشور رومانی



هیئتی از KNK و حزب دمکرات در مورد مسئله کورد به گفتگو پرداختند



ملی کورد ابراز داشت. در ادامه این دیدار "احمد قره‌موسی" ضمن اشاره به فرصت و تهدیدهای پیش روی مسئله کورد که هم اکنون در هر چهار بخش کوردستان در شرف است؛ اذعان نمود لازم است در مورد مسئله کورد متحد و همصدا با استراتژی ملی همه جانبه اقدام کنیم. وی بیان داشت "کنگره ملی کورد" (KNK) در واقع از لحاظ احساس مسئولیت به این نیازها و جوابگویی به این تغییرات اقدام خواهد کرد. قره‌موسی در ادامه سخنان خود اذعان نمود، ما با هدف ورق زدن برگی نو از کار و فعالیت‌ها و روابط خود، مایل هستیم از دیدگاه حزب و جریان‌ات دیگر و پیشنهاد آنان برای کنگره آینده خود مطلع شویم و نظرات حزب دمکرات را در این زمینه حائز اهمیت می‌دانیم.

فعالیت‌های "کنگره ملی کورد" تقدیم کرد. قره‌موسی اعلام داشت، هدف از این دیدار، تشریح مشترک تغییرات و یافتن راه‌حل مشکلات پیش روی کورد در هر چهار بخش کوردستان است. در این دیدار "محمدنظیف قادری" مسئول هیئت حزب دمکرات ضمن اشاره به شرکت حزب دمکرات در کنگره پیشین (KNK)؛ همکاری و موضوعگیری مشترک جریان‌ات را به منظور پیشبرد مبارزه کورد در هر چهار بخش کورد حائز اهمیت توصیف نمود. قادری همچنین در رابطه با تشریح تغییرات منطقه و جهان و تأثیرات آن بر مسئله کورد به طور کلی؛ همچنین تبیین سیاست و مواضع حزب دمکرات کوردستان ایران نسبت به مسئله ملی و تغییرات مرتبط به این مسئله را تقدیم نمود و امید موفقیت روزافزون را برای کنگره

روز سه‌شنبه نوزدهم آذر ماه هیئتی از "کنگره ملی کورد" (KNK) با سرپرستی "احمد قره‌موسی" ریاست مشترک (KNK) و "شهلا حنفید" جانشین ریاست (KNK) در ارگان روابط عمومی حزب دمکرات دیدار بعمل آوردند. در این دیدار هئیت مهمان از سوی هیئت حزب دمکرات به سرپرستی "محمد نظیف قادری" جانشین دوم مسئول اجرایی حزب دمکرات و مسئول روابط عمومی حزب دمکرات مورد استقبال قرار گرفتند. در این دیدار "محمد نظیف قادری" از هیئت مهمان به گرمی استقبال نمود. هیئت مهمان خوشحالی خود را از این دیدار ابراز داشته و تاریخ و گذشته حزب دمکرات و به ویژه رهبران شهید را مایه سرافرازی ملت کورد وصف کردند. سپس "احمد قره‌موسی" ریاست مشترک (KNK) مباحثی پیرامون

تجلیل از مبارزات ۲۰ ساله پیشمرگه‌های دمکرات



در روز ۲۶ آذر ماه سالروز پیشمرگه کوردستان، در مراسمی باشکوه، از پیشمرگه‌هایی که در صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران فداکارانه و خستگی‌ناپذیر، بصورت مستمر و مداوم مبارزات خود را ادامه داده تجلیل و با هدف تقدیر از مبارزات ۲۰ ساله آنان، لوح یادبوی به آنان اهدا گردید. امسال نیز به مانند همه سال و در مراسم ۲۶ آذر ماه، از مبارزات و فداکاری ۱۲ تن از پیشمرگه‌هایی که عمر مبارزاتی آنان به ۲۰ سال رسیده تقدیر و لوح ۲۰ساله با آنان اهدا شد. پیشمرگه‌هایی که لوح "لیلا خضری، رسول قرغی، فریدون عظیمی، جاوید اصغری، هیوا میرزایی، کیومرث اکبری، لقمان عبدالله زاده، احمد سلیمانی، مظفر پیشرو، اسعد باریکه، اسماعیل معروفی و فاضل رضایی". لیلا خضری، پیشمرگه نیروی پیشمرگه کوردستان، نسبت به دلایل استمرار ۲۰ ساله خویش در صفوف پیشمرگه می‌گوید: "افتخار می‌کنم که بعنوان زن

نشست حزب دمکرات و حزب اتحادیه دمکراتیک کورد

نمودن آرزوی کورد در اتحاد احزاب و جریان‌های سیاسی در کوردستان سوریه و همه بخش‌های کوردستان توصیف نمود. در این دیدار، ماموستا "محی‌الدین شیخ آلی"، بحث مفصلی نسبت به وضعیت کوردستان سوریه ارائه و اقدامات بین‌المللی و کوردستانی برای ایجاد اتحاد در بین و احزاب و جریان‌های کوردستان سوریه را مثبت توصیف نمود

اطلاعات و نظرات در بین همه احزاب و جریان‌های سیاسی در هر چهار بخش کوردستان تأکید ورزید. مسئول اجرایی حزب دمکراتی ضمن اعلام حمایت و همکاری حزب دمکرات کوردستان ایران با هموطنان کورد در کوردستان سوریه، آرزو نمود تا اتحاد احزاب و جریان‌های سیاسی در کوردستان سوریه باعث گردد تا این بخش از کوردستان به آزادی و همه حقوق خود جامعه عمل بپوشاند.

"هجری" مهمترین اقدام را عملی

"مصطفی هجری" در دیداری آخرین وقایع کوردستان و ایران را بررسی نمود

مسئله کنونی کورد را نیز بررسی نمود. در این دیدار بیشتر بر اعتراضات اخیر ایران و همچنین جنایاتی که رژیم اسلامی ایران در حق مردم صورت داده تأکید شد. در این دیدار عواقب اعتراضات اخیر در ایران و کوردستان مورد بررسی قرار گرفت. آنچه "آندریاس شیدر" بر آن تأکید داشت، وضعیت داخلی رژیم و همچنین نیروهای دمکراسی‌خواه در ایران بود و همچنین از جانب خود وی چندین

"مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران که به منظور شرکت در کنفرانس "آینده ملیت‌های ایران" در پارلمان اروپا به کشور بلژیک سفر نموده است، پنجشنبه ۲۱ آذر ماه، بعد از سخنرانی خویش در کنفرانس، با "آندریاس شیدر"، عضو حزب سوسیال دمکرات دیدار نمود. در این دیدار، "مصطفی هجری" بحث مفصلی نسبت به آخرین رویدادهای کوردستان و ایران را تشریح و

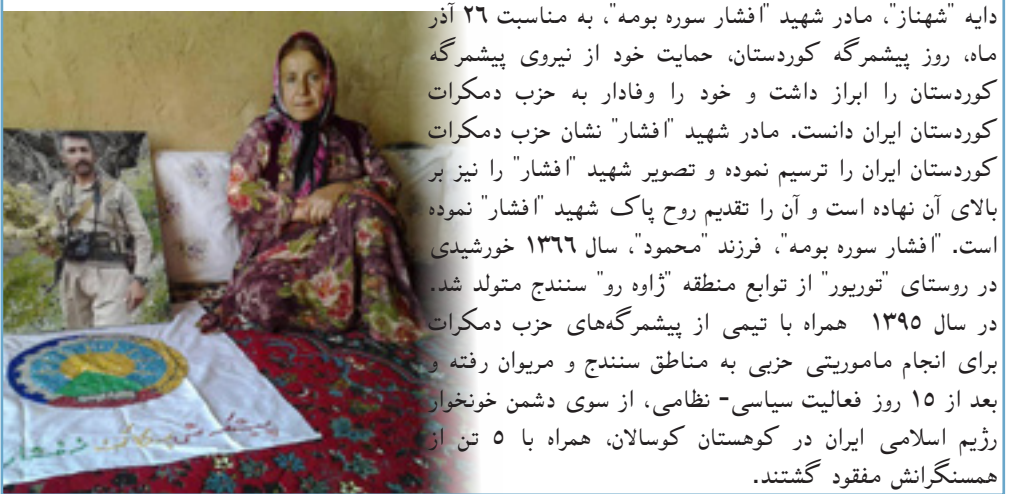
یاد و نام پیشمرگه کوردستان گرامی داشته شد

جانشین مسئول ارگان فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان، پیام ارگان فرماندهی را تقدیم حضار نمود. در بخشی دیگر، براساس اصول حزب دمکرات در مراسم ۲۶ آذر ماه، از پیشمرگه‌هایی که عمر مبارزاتی آنان در صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران به بیست سال رسیده تقدیر شده و لوح تقدیر به آنان اهدا گردید. سپس سرودی با نام "پیشمرگه تو سه‌نگه‌ری" از سوی گروه سرود "توهای قاسملو" و سرودی کلهری با نام "هیز گرن" از سوی هنرمند "غلام فاتحی"، تقدیم حضار شد. در این مراسم چندین شعرو سرود انقلابی قرائت شده و مراسم با شادی پیشمرگه‌های نیروی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید.

از این مراسم با نمایش و مانور نظامی جمعی از پیشمرگه‌های نیروی پیشمرگه‌های کوردستان همراه بود. در این مراسم، جمعی دیگر از میهن‌پرستان کوردستان، به نیروی پیشمرگه کوردستان ملحق و مراسم اختتامیه دوره در همین مراسم برگزار شده و به نفرات برتر از لحاظ سیاسی و نظم و دیسیپلین نیز جوایزی اهدا گردید. بخش دوم این مراسم، در یکی از سالن‌های حزب دمکرات کوردستان ایران، با حضور اعضای رهبری حزب دمکرات، کادر و پیشمرگه، خانواده شهیدان و پیشمرگه‌های حزب دمکرات برگزار شد. این مراسم با خواندن سرود ملی "آی رقیب" از سوی جمعی از پیشمرگه‌های دیرین حزب دمکرات آغاز شد. سپس، "صدیق درویشی"،

مراسم با قرائت سرود ملی "آی رقیب" از سوی نیروهای پیشمرگه‌های کوردستان آغاز شد. سپس به نمایندگی پیشمرگه‌های دیرین نیروی پیشمرگه کوردستان و به شیوه‌ای نمادین، پرچم مقدس کوردستان و آرم نیروی پیشمرگه کوردستان از سوی دو پیشمرگه دیرین کوردستان به نسل جدید پیشمرگه‌های کوردستان تحویل داده شد تا راه شهدا را ادامه دهند. سپس "حسن شرفی"، جانشین نخست مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران و "کاوه بهرامی" مسئول ارگان فرماندهی، در مقابل نیروهای پیشمرگه کوردستان، "سان" نظامی انجام دادند. نیروهای پیشمرگه کوردستان در چندین دسته متفاوت رژه نظامی صورت دادند. بخش دیگری

حمایت مادر شهید "افشار" از نیروی پیشمرگه



دایه "شهناز"، مادر شهید "افشار سوره بومه"، به مناسبت ۲۶ آذر ماه، روز پیشمرگه کوردستان، حمایت خود از نیروی پیشمرگه کوردستان را ابراز داشت و خود را وفادار به حزب دمکرات کوردستان ایران دانست. مادر شهید "افشار" نشان حزب دمکرات کوردستان ایران را ترسیم نموده و تصویر شهید "افشار" را نیز بر بالای آن نهاده است و آن را تقدیم روح پاک شهید "افشار" نموده است. "افشار سوره بومه"، فرزند "محمود"، سال ۱۳۶۶ خورشیدی در روستای "توریور" از توابع منطقه "ژاوه رو" سنجند متولد شد. در سال ۱۳۹۵ همراه با تیمی از پیشمرگه‌های حزب دمکرات برای انجام ماموریتی حزبی به مناطق سنجند و مریوان رفته و بعد از ۱۵ روز فعالیت سیاسی- نظامی، از سوی دشمن خونخوار رژیم اسلامی ایران در کوهستان کوسلان، همراه با ۵ تن از همسرانش مفقود گشتند.

ادامه سخن

است، بلکه اینک و بعد از هفت دهه از تأسیس پیشمرگه، رمز و نماد پیشمرگه از پلنگ کوه‌های سرکش کوردستان به اراده همگی ملی برای بنیان نهادن میهنی تازه مبدل گشته است. بدان معنا که پیشمرگه تنها و تنها شخصی حقیقی نیست که همه رنج‌ها را بر دوش کشیده و وظایف را بر عهده می‌گیرد، اینک پیشمرگه باور است و در بطن مردم جای گرفته. برای همین پیشمرگه بودن تنها به شخص مسلح در کوهستان محدود نمانده و همه آحاد هواداری کوردستان را دربر می‌گیرد پیشمرگه بودن رمز و نماد ملی است که در اراده‌ای که هر لحظه و زمانی با سمبل قرار دادن تصویری که در ابتدا به آن اشاره شد، به مقابله با دشمن برخاسته و وظیفه مبارزه را تنها بر عهده چندین شخص مخصوص برجای نگذاشته است، بلکه در همه اشخاص اعتقاد و اراده پیشمرگه بودن آماده است و همه کوچه‌های کوردستان می‌تواند به سنگر پیشمرگه مبدل گردد. مهاجرت فرزندان دلاور و میهن‌پرست وطن از بطن جامعه به سمت کوهستان، در قالب اراده‌ای همه‌گیر و انقلابی منعکس گشته و برای مقابله با اشغالگری و سیاه جنایتکار به بطن شهر برگشته است.

توانستند و نمی‌توانند و نخواهند توانست پیشمرگه را نابود کنند

مختار نقشبندی

تاریخ پر است از داستان زنان و مردان بزرگی که در جنگ‌ها و مناقشه‌های نابرابر هنگامی که نیرویی اشغالگر در حال قتل‌عام و نابودی ملت‌شان بودند با جان فشانی از ملت خود در برابر اشغالگران دفاع کرده اند و نام آنها به نیکی و بزرگی یاد شده، در کردستان به این انسان های بزرگ پیشمرگه گفته می شود، کسانی که پیش مرگ دیگران می شوند، پیشمرگه ها در میان ملت کرد از جایگاه ویژه‌ای بر خوردار هستند و روز ۲۶ آذر به اسم پیشمرگه نامگذاری شده و هر سال در این روز از جان فشانی‌ها و از خودگذشتگی‌های این زنان و مردان، بزرگ یاد و قدردانی می‌شود، دشمنان ملت کرد از نام پیشمرگه هراس دارند، دهها سال است که دشمنان ملت کرد با ارتش‌های مدرن و مجهز به سلاح‌های پیشرفته قصد نابودی نیروی پیشمرگه را دارند اما ناکام مانده‌اند، رژیم ایران که ادعا می‌کند نفوذش به دریای مدیترانه رسیده قادر نبوده و نیست پایگاه‌های نیروی پیشمرگه را نابود کند و حتی قادر به جلوگیری از رفت و آمد نیروهای پیشمرگه در داخل(روژه‌لات (کردستان ایرا ن نیست در این مقاله که به مناسبت روز پیشمرگه نوشته شده قصد داریم بدون هیچ تعصبی به بررسی قدرت نیروهای پیشمرگه بپردازیم و به این سوال پاسخ بدهیم که چرا دشمنان ملت کرد با دارا بودن ارتش‌های قدرتمند از نابودی پیشمرگه عاجز و ناتوان بوده و هستند و نیروهای پیشمرگه چقدر در سرنگونی رژیم ایران می‌توانند تاثیر گذار باشند؟

قبل از بررسی قدرت نیروهای پیشمرگه لازم است در مورد واژه اشغالگر توضیحی داده بشود، وقتی نیرویی نظامی بدون اجازه و مجوز در سرزمینی حضور پیدا می‌کند اشغالگر است و بدون هیچ تعارف سیاسی نیروهای نظامی رژیم‌های ایران و ترکیه و عراق و سوریه در مناطق کردنشین اشغال گر و متجاوز بوده و هستند. رفتار و عملکرد نیروهای نظامی کشورهای نامبرده با مردم کردستان هیچ شباهتی با شیوه برخورد با مردم آن کشورها در شهرهای مرکزی نداشته، برای نمونه درست است که رژیم اسلامی ایران حتی به فارسی‌هایی با مذهب شیعه ۱۲ امامی هم که مخالف حکومت باشند رحم نمی‌کند اما مقایسه تعداد قربانیان و بازداشت شدگان و اعدامی‌های ۴۰ سال گذشته مناطق کردنشین با مناطق فارس‌نشین به روشنی نشان می‌دهد که شیوه برخورد و میزان خشونت نیروهای مسلح رژیم فارس‌نشین بسیار متفاوت و خشن‌تر بوده است. حتی در زمان رژیم پهلوی هم تفاوت بسیار زیادی بین شیوه و میزان خشونت نیروهای

رژیم علیه مردم مناطق فارس‌نشین و کرده‌نشین وجود داشت. دلیل آن کاملاً واضح و روشن است، متأسفانه مرکزگرایی که به یک فرهنگ تبدیل شده در طول زمان توسط رژیم های مختلف آنچنان بر روی سیاسیون و نظامیون مرکزگرا تاثیر گذاشته که ارزشی برای جان مردم ملیت‌های دیگر قائل نیستند و به آنان به چشم شهروند درجه دوم و بی ارزش نگاه می کنند بنابراین واژه اشغالگر کاملاً درست و صحیح است.

مقایسه قدرت نیروی پیشمرگه و نیروهای اشغالگر کردستان ؛ وقتی صحبت از مقایسه دو قدرت می شود اولین چیزی که به ذهن می‌رسد کمیت و کیفیت تسلیحات و تجهیزات و تعداد نیروهای نظامی است اما برای مقایسه قدرت ۲ نیرو باید فاکتورهای زیادی را در نظر گرفت چون مقایسه ۲ قدرت و جنگ گسترده‌تر از بحث تسلیحاتی است، جنگ همان سیاست است اما به شیوه دیگر، در واقع استفاده حکومت ها از قدرت اقتصادی (تحریم) و قدرت نظامی و ... برای وادار کردن طرف مقابل برای قبول خواسته های آنان و رسیدن به اهداف سیاسی است، تنها استفاده از آمار و ارقام کمیت و کیفیت تسلیحاتی برای مقایسه قدرت نیروی پیشمرگه و نیروهای اشغالگر کردستان اشتباه است چون نیروهای اشغال گر کردستان دارای ارتش‌های کلاسیک هستند و نیروهای پیشمرگه به شیوه چریکی و نامنظم با دشمنان درگیر می شوند بنابراین چند فاکتور مهم در جنگ چریکی را به صورت مختصر بررسی می کنیم.

۱. اهداف سیاسی و شرایط سیاسی منطقه و جهان

چه در جنگ میان ۲ کشور یا جنگ داخلی در یک کشور اهداف سیاسی و شرایط سیاسی در سرنوشت جنگ تاثیر گذار هستند چون منافع کشورها در ساختار سیاسی جهان بر هر چیزی مقدم است حتی کشورهای غربی هم در روابط با دیگر کشورها مسائل امنیتی و اقتصادی را در اولویت قرار می دهند و معمولاً از مسائل دموکراسی و حقو بشر به عنوان ابزار استفاده می کنند بنابراین در یک مناقشه چه کشورهای منطقه ای و چه ابر قدرت ها منافعشان را در نظر می‌گیرند و این مسئله در اکثر اوقات به نفع اقلیت‌ها و مظلومین نیست، اشغالگران کردستان هم به طور گسترده با امتیاز دهی اقتصادی و سیاسی تلاش کرده اند که مانع بین المللی شدن مسئله کرد بشوند اما علی رغم تلاش زیاد به دلیل تضاد منافع اشغالگران کردستان با کشورهای غربی و همچنین بازتاب مسئله کردستان در رسانه ها و دنیای مجازی و فشار افکار عمومی، قدرت‌های فرامنطقه ای نتوانسته‌اند خواسته‌های مشروع ملت کرد را نادیده بگیرند، هر چند در عمل حمایت جدی هم از

مسئله کرد نشده اما شرایط به نفع اشغالگران کردستان هم نیست. برای نمونه در مورد کردستان روژه‌لات علی رغم تلاش بسیار زیاد رژیم ایران برای تروریست خواندن پیمشرگه ها توسط مجامع جهانی نه‌تنها رژیم موفقیت کسب نکرد بلکه مهمترین نهاد نظامی و امنیتی رژیم (سپاه پاسداران) در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا هم قرار گرفته و احزاب کردستان روژه‌لات همچون حزب دموکرات کردستان ایران به عنوان حزبی مشروع با خواسته‌های مشروع در مجامع جهانی شناخته می شود. هر چند جامعه جهانی حمایت جدی از خواسته‌های احزاب کردستان نکرده اما دشمنی هم با احزاب کردی ندارند، حمایت یک کشور همسایه در جنگ‌های چریکی برای تجدید قوا و حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی و تدارکاتی بسیار مهم است اما احزاب کردستان ایران به ۲ دلیل از این امتیاز برخوردار نیستند ، یکی اینکه عراق و ترکیه هیچ تمایلی به کمک به احزاب کردستان ایران ندارند و دوم اینکه خود احزاب کردستان ایران تمایلی به اینگونه ارتباطات با رژیم‌های دیکتاتوری ندارند و استقلال سیاسی خود را مهمتر از کمک‌های بیگانگان می دانند، در کل فعلاً شرایط سیاسی جهان اگر به نفع احزاب کردی و نیروی پیشمرگه هم نباشد به ضرر آنان نیز نیست.

۲قدرت تسلیحاتی و اطلاعاتی
تفاوت به اندازه آسمان و زمین است، در حالیکه اشغالگران کردستان با بودجه‌های میلیارد دلاری نیروهای مسلح را تجهیز می‌کنند نیروهای پیشمرگه هنوز با حداقل امکانات به تسلیحات

ساده و سبک چند دهه گذشته مجهز هستند چون نه توانایی مالی برای تجهیز نیروهایشان دارند و نه هیچ کشوری به دلیل روابط تجاری و سیاسی با ایران حاضر به دادن تسلیحات به احزاب کردی کردستان خواهد شد، اما چون این نیروها به شیوه کلاسیک درگیر نمی‌شوند تسلیحات پیشرفته اشغالگران تاثیر کمی در درگیری با نیروهای پیشمرگه دارد. از نظر اطلاعاتی و امنیتی هم اشغالگران به سیستم های جاسوسی پیشرفته از پهبادهای جاسوسی گرفته تا دستگاهای شنود دسترسی پیداه کرده اند اما قادر به کنترل و تسلط براحزاب کردی نشده‌اند، در چند سال گذشته چند مورد بمب گذاری و عمل تروریستی بر علیه پایگاه‌ها و اعضای احزاب کردی صورت گرفته اما این حملات به نسبت عملیات‌های لو رفته رژیم بسیار کمتر است و نشان دهنده قدرت اطلاعاتی احزاب کردی است، همچنین اکثر تیم های ارتباطی و تبلیغاتی احزاب کرد که برای ارتباط و صحبت با مردم کردستان به شهر ها و روستاها رفت و آمد می‌کنند بدون مشکل و شناسایی شدن به کار خود ادامه داده اند و این نشان از شکست رژیم در تسلط بر کردستان و احزاب

کردی است، پیشرفت و گسترش وسیله‌هایی مانند موبایل‌های هوشمند کار را برای جاسوسان و عوامل رژیم آسان‌تر کرده اما در مقابل نیروهای پیشمرگه هم در داخل روژه‌لات آسان تر و راحت تر می توانند با تشکیلات داخلی از طریق ایملیل و دنیای مجازی ارتباط برقرار کنند، هر چند رژیم از نظر اطلاعاتی و وسایل جاسوسی پیشرفت زیادی داشته و به نسبت ۴۰ سال گذشته شرایط رژیم بهتر توانایی تسلط اطلاعاتی و کنترل احزاب کردی و نیروهای پیشمرگه را ندارد.

۳. شرایط جغرافیایی؛
شرایط جغرافیایی و آب‌و هوا تاثیر مهمی در جنگ‌های چریکی و غیر منظم دارند، مناطق کوهستانی کردستان برای جنگ‌های چریکی و نامنظم عالی است، هر چند در سال‌های گذشته و با ساخته‌شدن جاده‌های کوهستانی و روستایی دسترسی نیروهای رژیم به این مناطق آسان‌تر و سریعتر شده اما در کل بازهم شرایط برای حضور و در صورت لزوم عملیات نیروهای پیشمرگه خوب است. نابودی بعضی مناطق جنگلی توسط عوامل رژیم بدون ارتباط با این مسئله نیست.

۴. پایگاه مردمی و قدرت رسانه‌ای
پایگاه مردمی مهمترین فاکتور تعیین کننده است، بدون حمایت مردمی ادامه فعالیت سیاسی و جنگ چریکی و مسلحانه غیر ممکن است. احزاب کردی ریشه در دل مردم کردستان دارند.دشمنان ملت کرد همواره در تلاش بوده اند احزاب کردی را احزابی منحله و نیروهای پیشمرگه را نیرویی تروریستی و بدون پایگاه و حمایت مردمی معرفی کنند اما با نگاهی کوتاه به تاریخ درمی‌یابیم که واقعیت چیز دیگری است، هر چند رژیم پهلوی شدت بر علیه حزب دموکرات تبلیغاتی منفی می‌کرد و مدعی بودند که هیچ پایگاه مردمی ندارند اما با سقوط رژیم پهلوی شاهد حمایت گسترده مردم کردستان از حزب دموکرات و بقیه احزاب کردی بودیم و این حمایت و نفوذ قطعا یک شبه اتفاق نیفتاده بلکه ریشه‌ای دهها ساله داشته است، پس از سرنگونی رژیم پهلوی و شکست مذاکرات رژیم تهران با احزاب کردی در مورد خودمختاری نیروهای رژیم اسلامی به صورت گسترده از هوا و زمین به کردستان حمله کردند و با مقاومت شدید نیروهای پیشمرگه روبه‌رو شدند، پس از مقاومت شدید مردم کردستان خمینی پیغام صلحی برای کردستان فرستاد که با واکنش مثبت حزب دموکرات کردستان ایران مواجه شد اما بعد از مدتی رژیم بازهم حملات شدید را از سرگرفت و هزاران غیر نظامی شهید شدند، نیروهای پیشمرگه برای جلوگیری از کشتار و ویرانی از شهرها خارج شدند و در کوهستان‌های کردستان مستقر شدند، در واقع سیاست احزاب کردی جنگ برای جنگ

نبود ، کشتار در مقابل کشتار نبود، بلکه جنگ برای آزادی بود،دکتر قاسملو فرمودند در واکنش به جنایت‌های رژیم در مناطق مختلف به نیروهای رژیم ضربه می‌زنیم تا آنان را وادار به مذاکره کنیم، ما چیزی جز پایان تبعیض و رعایت حقوقمان نمی خواهیم، هدف حزب دموکرات و نیروی پیشمرگه جنگ و کشتار نبود و حتی با سربازان اسیرهم با احترام رفتار می‌شد چون رهبران حزب دموکرات معتقد بودند که این جوانانی که از مناطق مرکزی ایران برای جنگ با کردها فرستاده شده اند دشمنی با ملت کرد ندارند و تنها در دام تبلیغات دروغین رژیم افتاده اند، پس از اولین جنگ آمریکا و عراق و آزاد سازی بخش گسترده‌ای از کردستان عراق احزاب کردی برای جلوگیری از حمله مستقیم رژیم ایران به خاک کردستان عراق کم کم عملیات‌های نظامی را محدود و متوقف کردند و هم اکنون پس از گذشت دهها سال و علی رغم تبلیغات منفی و شدید رژیم هنوز هم نیروهای پیشمرگه در مناطق مرزی و داخل روژه‌لات حضور دارند و هر سال هزاران ویدئو و عکس از حضور نیروهای پیشمرگه در بین مردم شهرها و روستاها منتشر می‌شود، در طول چهل سال گذشته هم مردم کردستان بارها به شیوه‌های مختلف حمایت گسترده از احزاب کردی و نیروی پیشمرگه را نشان داده اند که مهمترین این حمایت‌ها چندین اعتصاب گسترده در کردستان به درخواست احزاب کردی بوده است، در چند سال گذشته حزب دموکرات کردستان ایران با توجه به شرایط جدید در منطقه تصمیم به افزایش آمادگی و حضور نیروهای پیشمرگه در کردستان گرفت که تحت نام راسان دورهای تازه از مبارزات نیروهای پیشمرگه علیه اشغالگران آغاز شده است و با توجه به اسناد موجود (ویدئو و عکس) تعداد بسیار زیادی جوان از مناطق مختلف کردستان به صفوف پیشمرگه پیوسته‌اند که نشان از ارتباط تنگاتنگ نسل جوان با احزاب کردی و نیروی پیشمرگه دارد.نیروهای پیشمرگه هنوز در حالت دفاعی هستند نه تهاجمی و در چند سال گذشته چندین درگیری بین نیروهای پیشمرگه و اشغالگران کردستان روی داده است که در تمامی این درگیری‌ها نیروهای پیشمرگه پس از آنکه مورد حمله قرار گرفته‌اند از سلاح استفاده کرده اند. احزاب کردی و نیروی پیشمرگه پایگاه مردمی بسیار مستحکمى دارند و بزرگترین و مهمترین دلیل شکست ناپذیری نیروی پیشمرگه همین مسئله است. هم اکنون نیروهای پیشمرگه چقدر در مبارزه علیه رژیم ایران می توانند تاثیر گذار باشند ؟

مبارزه مسلحانه، مبارزات مدنی،اعتراضات و اعتصابات و ... با هیچ کدام به تنهایی نمی‌توان رژیم اسلامی ایران که همچون یک غده سرطانی ریشه کرده را سرنگون کرد، برای سرنگونی رژیم باید بطور هماهنگ از همه امکانات و راه های موجود استفاده کرد، رژیم ایران تجربه دهها سال سرکوب اعتراضات و همچنین تجربه جنگ‌های داخلی در چند کشور به ویژه سوریه را دارد، اعتراضات ماه گذشته که یکی از بزرگترین اعتراضات مردم علیه رژیم در چهل سال گذشته بود با خشونت شدیدی سرکوب شد و اگر اپوزیسیون متحدانه و هماهنگ و با برنامه عمل نکنند امکان دارد اعتراضات آینده هم به همین شیوه سرکوب بشود، اگر در یک اعتراض سراسری و شدید در ایران احزاب کردی با تمام توان وارد میدان بشوند و نیروهای پیشمرگه با همکاری تشکیلات مخفی احزاب در داخل کردستان علیه نیروهای رژیم وارد عمل شوند رژیم با مشکل بزرگی مواجه خواهد شد و ۲ راه بیشتر در پیش‌رو نخواهد داشت ، یا باید نیروهای زیادی را از سراسر ایران به کردستان اعزام کند تا مانع آزاد سازی کردستان شود که در این صورت نیروی کافی برای سرکوب بقیه ایران نخواهد داشت یا اینکه همانند رژیم بشار اسد نیروهایش را از کردستان خارج کند تا اعتراضات در بقیه مناطق را سرکوب کند، در خواست رژیم برای مذاکره با احزاب کردی دقیقاً از ترس همین مسئله است، در واقع نیروی پیشمرگه می تواند با آزاد سازی کردستان به سرنگونی رژیم دیکتاتوری هم کمک کند، اما مشکل اینجاست که متأسفانه بخشی از اپوزیسیون نسبت به مسئله کرد تفاوتی با رژیم اسلامی ایران ندارند و حاضر به اتحاد با احزاب کردی و بقیه احزاب ملیت ها نیستند، در کل وضعیت و آمادگی نیروی پیشمرگه می توانست بهتر باشد، در چند سال گذشته و با شروع راسان روز به روز آمادگی عملیاتی نیروهای پیشمرگه بیشتر شده و در صورت لزوم نیروی پیشمرگه کردستان آماده دفاع تمام عیار از کردستان است.

کوردستان





گلارا تابان

سقوط حتمیست نقطه

غیرقابل بازگشت



"شینزو آبه" نخست وزیر ژاپن، خرداد ماه سال جاری درحالی وارد تهران شد که از یک طرف در طول چهل سال حکمرانی جمهوری اسلامی برای اولین بار بود که نخست وزیر ژاپن به ایران سفر کرده بود و از سوی دیگر حاوی پیامی از طرف "ترامپ" برای رهبر جمهوری اسلامی بود برای بازگشت به میز مذاکره.

اما رهبر جمهوری اسلامی نه تنها پاکت نامه را از "شینزو آبه" دریافت نکرد، بلکه پیشنهاد نخست وزیر ژاپن را برای گفتگو و مصالحه با آمریکا رد کرد و هرگونه ارتباط و گفتگو با آمریکا را ممنوع اعلام کرد و در یک اظهار نظر اعلام کرده بود که مذاکره با آمریکا سم است. اما با ادامه تحریم‌ها و فشار حداکثری از سوی کاخ سفید، حلقه محاصره هر روز بیشتر بر ملایان در تهران تنگ و تنگ‌تر شد و حکومت با مشکلات اساسی روبرو شد، از جمله کسری بودجه و ناتوان ماندن در پرداخت کردن حقوق نهادهای دولتی و نظامی.

حکومت نیز این فشارها را تاب نیاورد و بر دوش مردم تحمیل کرد، با گران کردن سوخت، ارز و بسیاری دیگر از کالاهای اساسیدیگر، کسری بودجه و کمک به حشداالشعبی، حزب‌الله، سوریه و ... را به مردم متحمل کرد.

هرچند که شکاف بین مردم و حاکمیت سالهاست که بوجود آمده است و مردم به دنبال بهانه‌ای برای خیزش و گذر از جمهوری اسلامی هستند و حالا این مردم جان به لب رسیده از دست این حکومت گرسنه هم شده‌اند. مردم خسته از دیکتاتوری و به دنبال راهی برای رسیدن به آزادی اکنون زیر سایه سیاست‌های خصمانه حکومت گرسنه نیز شده‌اند و همین امر سبب شد که افزایش نرخ بنزین در نیمه شب، مردم خسته از دیکتاتوری و گرسنه برای شورش و گذار از این حکومت به خیابان‌ها بیاورد، هرچند این شورش با قطع اینترنت و قتل عام مردم سرکوب شد، یا به قول خودشان که می‌گویند خدا آنها را نجات داده است، اما این مانند آتش زیر خاکستر و یا انبار باروتی است که هر آن احتمال دارد با یک جرقه

ادامه صفحه ۴

قادر به حذف و نابودی حکومت روژناوا و نیروهای مردمی آن نبود، ضرباتی به کردها وارد کرد اما جز ضرر دستاوردی هم برای رژیم ترکیه نداشت، در واقع رژیم های دیکتاتوری مثل ایران و ترکیه منابع کشورشان را بیهوده برای نابودی ملت کرد صرف کرده اند،تعدادی از فعالین اپوزیسیون در رسانه ها احزاب کردی را بازیزچه قدرت‌های فرمانطقه‌ای معرفی می‌کنند که از آنها به عنوان یک ابزار استفاده میشه و بعد از

سولین سنه

مردم باید گرسنه و محتاج باشند و آنقدر در مشکلات روزمره خود غرق شوند که زمانی برای فکر کردن و مقابله کردن با نابرابری ها و ظلم ها و حق خوری‌هایی که در حق ملت میشود نداشته باشند .
همزمان با این اوضاع بد اقتصادی کشور هر روز به تعداد بیکاران کشور اضافه میشود جوانان با وجود تحصیلات و تخصص در رشته‌های مختلف به دلیل از دست دادن شغل و منبع درآمد خود و تحت فشار قرار گرفتن دست به کارهایی می‌زنند که باعث شده که ناهنجاریهای دیگری در جامعه رخ دهد .
در این مبحث به‌چند پدیده رقت انگیز که عمدتا حاکی از فقر جامعه هستند اشاره می‌کنم .
عادی شدن و رواج خرید و فروش اعضای بدن ، سوءتغذیه ، حاشیه نشینی ، جستجوی دیوانه وار گنج ، افزایش اجاره نشینی ، دستفروشی ، کودکان کار ، ازدواج کودکان ...
جالب توجه است که از این پدیده‌ها چهار مورد آن : مستقیما (ازدواج و کار کودکان) و غیر مستقیم (دستفروشی و سوءتغذیه) با کودکان ارتباط دارند.

« بازار اعضای بدن

خرید و فروش اعضای بدن به پدیدهایی قابل مشاهده در کوچه و بازار ایران تبدیل شده به‌طوری که اطلاعیه های مربوط به آن را در معابر میتوان مشاهده کرد غیر از فروش کلیه که ده‌ها سال است آشکارا جریان دارد فروش تکه‌هایی از کبد ، مغز استخوان و قرینه‌ی چشم و اجاره دادن رحم به روشهایی برای کسب پول تبدیل شده ، اجزای بدن را با قیمت‌های مختلف بنا به شرایط بیمار و فروشنده خرید و فروش میشود .
نهادهای دولتی که می‌خواستند این بازار را تا حدی کنترل کنند با پرداخت بخشی از هزینه‌ها و آبرومندانه کردن مبادله موفقیت چندانی نداشته‌اند.

« سوءتغذیه

بنابه گزارش دبیر کل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ۸۸ درصد مردم ایران کمتر از حد مورد نیاز سبزی و میوه ولبنیات و گوشت مصرف می‌کنند .
دلیل جایگزین کردن فست فود ها به

نابرابری و شکاف طبقاتی در ایران روز به روز رو به افزایش است .
افزایش خود کشی جوانان در ایران به علت افسردگی ناشی از فقر و بیکاری بیداد میکند .
فقر نسبت میزان دسترسی افراد به منابع برای برآوردن نیازهایشان است.
نیازهای انسان در پایین ترین سطح ممکن نیاز به خوراک ، پوشاک ، آب وسرپناهی برای زندگی است.
در اقتصاد برای جدا کردن افراد فقیر از بقیه‌ی افراد از شاخصی به نام خط فقر استفاده میشود .
افرادی که درآمدشان کمتر از حدی است که بتوانند دسترسی به حداقل سطح زندگی را داشته باشند زیر خط فقر هستند و این افراد در جامعه سلامت جسمی و روانی و آموزشی آنها با خطر مواجه میشود .
آسیب هایی که فقر در جامعه ایران به در پی داشته .

افرادی که توان تحصیل ندارند نمی توانند جذب بازار کار شوند .
پس برای امرار معاش دست به کارهای غیر قانونی میزنند این رفتار ها صدمات جدی به جامعه وارد کرده .
کاهش فقر یک عامل مهم در توسعه‌ی اقتصادی کشور به حساب می آید .
بالا بودن آمار فقر در جامعه نشان میدهد درصد بیشتری از سرمایه انسانی آن در حال هدررفتن است .
دولت میتواند به این سرمایه ها رسیدگی و توجه کند تا مسیر رشد اقتصادی کشور تحت تاثیر قرار بگیرد .

متاسفانه خط فقر در ایران دامنه دارتر شده .
شاخص خط فقر در اردیبهشت ماه سال ۹۸ هشت میلیون تومان تعیین شده اما درآمد ۵۵ درصد خانوارهای ایرانی کمتر از این حد بوده و این درحالیست که حداقل دستمزد یک میلیون و پانصد هزار تومان (یعنی کمتر از یک پنجم این میزان) .
تعداد زیادی از خانواده‌ها با یارانه و کمکهای مستمری سازمان بهزیستی و کمیته امداد امرار معاش می‌کنند با این وضعیت حتی عده‌ای شرایط آن را ندارند که تحت پوشش این سازمانها قرار بگیرند چرا که باید یا بالای ۶۰ سال سن داشته باشند یا از کار افتاده بوده یا بی سرپرست ویا بد سرپرست باشند طبق آمار به دست آمده یک سوم مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند.
نظام سلطه ایران همه توان خود را به کار گرفته تا مردم با مشکلات فراوانی روبه رو باشند چون بر این باورند که

تمام مناطق ایران شاهد افزایش احساسات ملی و درخواست برای حقوق برابر با ملت فارس هستیم و مطمئنا با سرنگونی رژیم اسلامی ایران حدود ۷۰ درصد مردمان ایران که از ملیت‌ها کرد و بلوچ و ترک وعرب و ... هستند خواستار حقوق برابر خواهند بود،
چهل سال پیش رژیم اسلامی که به نام مذهب از تمام ایران جوانانی را برای جنگ با ملت کرد به کردستان اعزام می کرد نتوانست ملت کرد را نابود کند حال چه برسد به حکومت آینده ایران که

جای لبنیات و سبزی جات و پروتیین‌ها وقت اندک شهروندان برای آماده کردن غذا نیست ! بلکه قدرت خرید پایین شهروندان است، دو سوم جمعیت ایران قدرت خرید کافی برای آنها را به اندازه کافی ندارند.

« معضل حاشیه نشینی

بعضی از مقامات جمعیت حاشیه نشینان را با عنوان بدمسکن یاد می‌کنند مردم در این مناطق از حداقل خدمات شهری و بهداشتی برخوردار نیستند مناطق حاشیه نشین بستر انواع آسیبهای اجتماعی است.

« جستجوی دیوانه‌ور گنج

هر چه افراد بیشتر در چاه فقر فرو می‌روند برای یکباره ثروتمند شدن حریص تر میشوند افراد به صورت گروهی یا فردی در جستجو هستند جالب اینجاست بعد از پیدا شدن گنج در هر منطقه‌ای سازمان میراث فرهنگی فوراً حضور می یابد و بعد از آن مدعیان وجود گنج تحویل مقامات انتظامی داده میشوند و با نام (به تاراج بردن میراث فرهنگی به دست قاچاقچیان) سرنوشتشان نامعلوم میشود .
البته این موضوع که خریدارها اکثرا نیروهای امنیتی و انتظامی کشور هستند موضوع دیگرست.

« افزایش اجاره نشینی

در سالهای اخیر به دلیل اینکه توان خرید مسکن پایین آمده از درصد مالکان خانه کاسته و بر درصد اجاره نشینان افزوده شده است مستاجران باید بیش از یک سوم درآمد خود را صرف پرداخت اجاره کنند .
مستاجران هزینه‌های جداگانه‌ایی را دارند مانند :
هزینه‌ای جابه‌جایی و ...

« افزایش دستفروشی

اخبار مربوط به درگیری ماموران شهرداری ها با دستفروشان و در مواردی رفتارهای خشنوت آمیز با آنها یا خود کشی آنها به اخبار روزانه در کشور تبدیل شده .
دستفروشی به یک معضل جدی برای شهرداری در تنظیم امور شهری تبدیل شده .
تنش میان مغازه داران و دستفروشان یکی از پیامدهای این پدیده است.

« کودکان کار

از حدود ۱۸میلیون کودک ونوجوان در سن تحصیل تنها حدود ۱۲میلیون نفر به مدرسه میروند ۶ میلیون باقی مانده اکثرا در

باید جوابگوی خواسته های ملی حدود ۷۰ درصد مردم باشد!
جوانانی که به نیروهای پیشمرگه پیوسته‌اند به راحتی می‌توانند در کشورهای اروپائی اقامت دائمی بگیرند اما برای دفاع از ملت شان از جان و مال شان گذشته‌اند و این جان‌فشانی و از خود گذشتگی رمز پایداری نیروی پیشمرگه بوده و هست، دهها سال حضور زنان و مردان در کنار یکدیگر در صفوف پیشمرگه در منطقه‌ای که زنان بشدت مورد تبعیض جنسیتی هستند نشان از مطلق

فشار روانی و بی پولی در ایران

سالهای ششم به بعد مدرسه را رها می‌کنند تا کمک خرج خانواده باشند تعداد کودکان کار در ایران روز به روز رو به افزایش است بخش قابل توجهی از آنان مشغول دستفروشی و کارهای دیگر در خیابانها هستند و بخشی از آنان که بیکار می‌مانند طبعاً در فعالیت ها مخاطره انگیز و غیر قانونی به کار گرفته می‌شوند ونسل آینده بزهکاران را تشکیل می‌دهند.

« ازدواج کودکان

متاسفانه سالانه تعداد زیادی ازدواج دختر با سن کمتر از پانزده سال ثبت میشود که بیش از نود درصد آنها از قبل تعیین شده هستند و ۷۵ درصد این عروسان خردسال از تحصیل باز مانده اند .
علت اصلی این ازدواج ها فقر پدر و مادر است و دلیل آن توجهیات شرعی است والدین این کودکان به دلیل ناامیدی از اینکه دختران روزی بتواند دستگیر آنان باشند و برای کم کردن نانخورها آنان را در واقع به مردان سالخورده می‌فروشند .

در واقع خط فقر یعنی کودکان کاری که با دستان کوچکشان برای سیر کردن شکمشان کار می‌کنند در حالی که باید پشت میز کلاس درس بخوانند خط فقر یعنی نگاه شرم زده‌ی پدر زحمتکشی که عرق خجالت می‌ریزد زیرا فرزندانش گرسنه می‌خوابند.
خط فقر یعنی نگاه حسرت بار کودکی که به لباس و کفش تازه‌ی دیگران نگاه می‌کند و با کفش و پیراهن کهنه‌ی خود مقایسه می‌کند.
خط فقر یعنی دستان پینه بسته‌ی مادری که از فرط خستگی رنگ به رو ندارد خط فقر یعنی دنیایت با دنیای پولدارها فرق دارد برای آنان سلامتی بهترین خوشی است و شکم سیر برایشان بهترین اتفاق ، لباس تمیز و نو برایشان بهترین لحظه‌است و ماشین رنگارنگ و لباس مارک و کفش نوک تیز معنی ندارد آنان زندگیشان هم مانند اسمشان در امتداد یک خط میگذرد ، و تمام حواسشان را باید جمع کنند که از این خط سقوط نکنند ، نه زندگیشان هیجان دارد نه بالا و بلندی همین که نفس می‌کشند برایشان دنیایی با ارزش است .
توقع انسانها بر اساس همین خط بالا و پایین می‌رود هر چه به خط فقر نزدیکتر می‌شویم توقع ها پایین تر و هر چه از این خط فاصله می‌گیریم توقع ها نجومی و بالاتر می‌رود .

و دموکرات بودن این نیروی دارد. امیدواریم که اپوزیسیون ایرانی با درک درست از مسائل سیاسی برای سرنگونی رژیم ایران با احزاب کردی هم‌پیمان بشود و مطمئنا با هماهنگی و اتحاد سرنگونی رژیم ممکن خواهد بود، برای پایان همه مشکلات و جنگ‌ها راهی به جزء احترام به حقوق همدیگر و برابری نیست، پیشمرگه مدافع مردم و خاک و پرچم کردستان بوده و هست و خواهد بود.



به احترام مشت‌های گره کرده یک نوجوان



تقسیم ثروت در نظام توسعه ایرانی مسبب آن شده است که اقتصاد و فقر به یک ابزار امنیتی و سرکوب در دست حاکمان در بین ملت‌های غیرفارس تبدیل شود. حاکمان جهت تحقق ایده خود ابا از این ندارند که مردمی که دارند هویت معیار نیستند، را از طریق فقر سیستماتیک سرکوب کنند و آنها را وادارند که هویت معیار را بپذیرند. در چنین شرایطی است که فقر سیستماتیک در مناطق غیرفارس توسط خود حاکمیت ترویج می‌شود، یکی از نتایج این فقر سیستماتیک هم پدیده کولبری در کوردستان است. در واقع مرگ فرهاد ۱۴ ساله که جسد یخ‌زده‌اش با مشت‌های گره کرده پیدا شده است، نشان دهند و تایید کننده این است که فقر در رژیم ساختاری ایران ابزاری برای سرکوب کوردستان به عنوان یک هویت غیرمعیار است، البته هرچند ما کوردها بیشترین ضرر را از منطق توسعه ایرانی متحمل شده‌ایم، اما یک اتفاق نیست که همزمان با مرگ فرهاد ، چهار روز مدارس تهران بخاطر بحران در آلودگی هوا تعطیل می‌شود. اگر واقع بین باشیم به آسانی نمایان است که این آلودگی هم تایید کننده آن است که توسعه پیرامون . مرکز درایران وجود دارد و اساس این نوع توسعه به مسئله رویا دولت . ملت ایرانی برمی‌گردد.

عقب نگه‌داشته شده، بحران‌های متفاوتی را ایجاد کرده است ، که مهم‌ترین بحران‌هایی که وجه اقتصادی و توسعه اقتصادی دارند عبارتند از ، بحران توسعه پیرامون . مرکز ، بحران بن بست در توسعه مرکز، ابربحران محیط زیستی، ابربحران ورشکستگی آب ، بحران تمرکز جمعیت مهم‌ترین بحرانی که توسعه پیرامون . مرکز فراهم کرده است، هم‌کانونی سه بحران محیط زیستی، تمرکز جمعیت و بحران آب با مراکز توسعه‌یافته است، مرکز ایران یک منطقه خشک است که توان جمعیتی، صنعتی و اقتصادی محدود دارد؛ تمرکز توسعه که به معنی تمرکز صنعت در آن است و این مسئله مسبب آن شده است که مردمان سایر نقاط به مرکز ایران مهاجرت کنند، پس ما با پدیده مهاجرات داخلی برای کسب شغل و رفاه، ارتقاء سطح زندگی روبرو هستیم، این پدیده مسبب تمرکز جمعیت را در مناطق خشک یا مرکز شده است، ما درمناطق خشک مرکز که آب بسیار محدود و زیست بوم آن بسیار شکننده‌ای است، همزمان با تمرکز صنعت، جمعیت و کشاورزی روبرو شده‌ایم . ضعف در زیست بوم و کمی آب و حضور این سه پدیده همزمان مسبب ایجاد بحران بن بست توسعه در مرکز و بحران محیط زیستی در آن مناطق شده است. نگاه حاکمان به توسعه و اهمیت

سده گذشته حاکمان هواخواه دولت . ملت ایرانی نظام سرکوب چند وجهی را برای استحاله ملت‌های غیرفارس در ملت فارس(همان ملتی که قرار است پایه دولت . ملت ایرانی شود) در پیش گرفتند. یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال پراهمیت‌ترین نظام‌های سرکوبی که در ایران وجود دارد، نظام سرکوب اقتصادی و توسعه مرکز محور است. در نظام توسعه ایران که یک نظام نفت محور است، اساس توسعه بر لطف ملوکانه برنهاده شده است، بدین معنی که رژیم فکری توسعه ایرانی یک رژیم مبتنی بر تقسیم ثروت(نفت) است، نه تولید ثروت، این نگاه به توسعه(تقسیم ثروت بجای تولید ثروت) و وجود یک گفتمان حکومتی که خواهان تحقق دولت . ملت است، این گفتمان دارندۀ یک هویت معیار است؛ مسبب آن شده است که تنها در حالتی ملت‌های غیرفارس شامل تقسیم ثروت(توسعه) بشوند، که هویت خود را کنار گذاشته و در هویت معیار که هویت فارس . تشیع استحاله شوند. وجود چنین نگاهی به توسعه و اقتصاد مسبب آن شده است که ما در ایران با پدیده توسعه پیرامون . مرکز روبرو شویم. مرکز داری سطحی از توسعه است، اما پیرامون فاقد هر نوع توسعه می‌باشد، وجود مرکز توسعه یافته و حاشیه

آگری اسماعیل‌نژاد

روز ۲۹ آذر، بعد از چهار روز جستجو، جسد یخ‌زده "فرهاد خسروی" نوجوان کورد در کوه‌های تته در میان برف‌های سرگ پیدا شد. شاید خواننده اتفاقی تلقی کند، اما تمامی چهار روزی که مردم در کوه‌های تته در میان برف‌ها به دنبال اثری از فرهاد بودند، مدارس تهران به دلیل آلودگی هوا تعطیل بود.مرگ فرهاد و دیگر کولبران چه رابط‌ای با بحران آلودگی هوا در تهران دارد؟موضوعات کنونی ایران علی‌الخصوص بحران توسعه اقتصادی و سیاسی در ایران را باید در پرسپکتیو دولت . ملت ایرانی مطالعه کرد. ایران کشوری چند ملتی است که در تمامی مقاطع تاریخی خود فاقد یک دولت مقتدر مرکزی بوده است، ایده تشکیل یک دولت مرکزی و استحاله این ملت‌ها در ملت فارس جهت تحقق دولت . ملت ایرانی، یک ایده جدید است که قدمت آن به کمتر از ۱۰۰ سال گذشته برمی‌گردد. اما واقعیت این است که سیاست تحقق دولت . ملت ایرانی در ثقل سیاست‌های کلان حاکمیت ایران در یک سده گذشته بوده‌است، خارج از آنکه حاکمیت در دست کدام گروه بوده است. در یک

کیوان درودی

توسعه‌طلبی باستانی و ولائی و خلق بحران در ایران



اگر با این فرضیه که مرزهای یک امپراطوری قابل احیاء است به موقعیت جمهوری اسلامی بنگریم، نمی‌توانیم موقعیتی جز آنچه در آن قرار داریم را متصور شویم و چنانچه بپذیریم که منشأ بحران کنونی جامعه در جغرافیای ایران، حمایت حاکمیت مسلط بر آن از جریانات منطقه‌ای مشخص همسو و تحت کنترل؛ برای تثبیت هژمونی بر همسایگان است، باز هم باید به این سوال اساسی مراجعه کنیم که زمینه‌های اقدام برای کسب یک هژمونی و تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای بلامنازع کدام‌اند و پیدایش امپراطوری سپاه برای چه کسانی یک هدف متعالیست؟ وقتی سازه‌های ناسیونالیسم ایرانی را واکاوی می‌کنیم با یک حجم گسترده از انگاره‌سازی افراطی مواجه می‌شویم، به گونه‌ای که مخاطب به یک نوع احساس تملک جاری - و نه حتی در گذشته‌ی تاریخی - دست می‌یابد. ایجاد چنین احساسی فرد را به سمت یک انگاره‌سازی رادیکال با محتوای کسب آنچه جایگاه حقیقی و برانزده‌ی تاریخی و ماهوی اوست، سوق می‌دهد.

تصور کنید که میراثداران امپراطوری‌های روم، یونان، مصر و چین نیز چنین گفتمانی را تعقیب کنند، در این صورت چگونه جهانی خواهیم داشت؟

جمهوری اسلامی برای تحکیم پایه‌های قدرت خود، مسیر تحقق این انگاره‌سازی را پیش گرفت و حقا که برای دستیابی به آن از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. وقتی مخاطبین بسیاری در سطح بدنه‌ی اجتماعی احساس کنند که یک قدرت نظامی در حال در هم شکستن نظم موجود و ایجاد نظم مطلوب آنهاست، باید مطمئن بود که اگر برایش مقدور نباشد و در صف آنها نایستد، حداقل در جهت اسقاط و کنارگذاشتن آنها اقدامی نخواهد کرد.

شاید از همین روی است که جمهوری اسلامی حمایت بسیاری از جریانات توسعه‌طلب داخل و خارج را کسب نمود. البته اگر دو پایه بنیادین برای کلیت این حمایت قائل باشی؛ قطع به یقین یکی از آنها شدت برخورد با جریانات هویت‌طلب داخلی و گاه‌ا چپ‌ها بوده است.

اگر روحانی به طور ویژه از سید جواد طباطبایی قدردانی می‌کند، این در راستای تحکیم این انگاره‌سازی و کسب حداکثر حمایتیست که به آن اشاره داشتیم.

نقش سپاه پاسداران در این میان را نباید نادیده گرفت. سپاه بعنوان یک تشکیلات فراقانونی، تمامی پیش‌شرط‌های لازم از قبیل امکانات و اختیارات، برای توسعه قدرت حاکم بر ایران در منطقه را در اختیار دارد. با این اوصاف، تنها راهی که برای ایجاد حس تحقق تصورات مخاطبین وجود دارد، نظامی‌گری است. البته در ناسیونالیسمی که ما می‌شناسیم - و انگاره‌های کنونیست - توسعه‌ی قدرت ایران به مسئله‌ی عادل بودن و آزادگی یک کیش‌شخصیت مربوط است. به عبارتی کل منطقه خاورمیانه و فراتر از آن، برای سهم بودن حداقلی - در حد یک تبعه - در امپراطوری این کیش‌شخصیت، سیادت سرزمینی خود را به دربار ایشان واگذار کرده‌اند. بسیار جالب است که ما هیچ نمونه‌ی هم‌سانی از این نوع گرایش را در هیچ جایی از تاریخ شاهد نیستیم. همین موضوع باعث می‌شود این خلا گفتمانی به دلیل اصلی ضرورت خوانش "فلسفی" تاریخ ایران از نظر طباطبایی مبدل شود. وی تنها راه تبیین صحیح و حقیقی تاریخ ایران را خوانش فلسفی می‌داند. فلسفی به این معنا که ما نباید تاریخ ایران -همچون دیگران - را به مثابه یک روایت بر حسب مستندات ارائه دهیم، بلکه باید آن را به مثابه یک فلسفه‌ی بنیادین و قابل تحقق بازنمایی و البته بازتولید کنیم.

با تمامی این توضیحات رهبر جمهوری اسلامی گاه‌ا برای یک مرزبندی مشخص که ضروری نیز به نظر می‌رسد، به کلیت این تاریخ می‌تازد و تاریخ را به قبل و بعد از جمهوری اسلامی تقسیم می‌کند. درک این تاختن‌های گاه و بی‌گاه سخت نیست، این اقدام می‌تواند صف حلقه‌ی خودی‌ها را تحکیم بخشد. خودی‌هایی که باید انگیزه توسعه‌طلبی‌شان تولید و گسترش قدرت ولایت فقیه باشد و نه بازتولید و تحقق آنچه ناسیونالیسم باستان‌گرا تعقیب می‌کند. در هر حال هردو جریان بر انگاره‌سازی مذکور و حق تملک قدرت ایرانی بر منطقه تأکید دارند و این شاکله‌ی ایدئولوژی‌های جریانات شیعه‌گرایی - باستان‌گرایی در موجود در صحنه‌ی سیاسی ایران کنونیست.

اگر جمهوری اسلامی منابع داخلی جغرافیای ایران را صرف تعقیب ایده‌ی "محور مقاومت" می‌کند، در حقیقت و عملا از همان راهی می‌رود که جریان همسو - و غیرخود - برای دستیابی به جایگاه "ایران‌شهر" و "ایران‌شهری" پیش روی "ایران و ایرانی" می‌گذارد.

بنابراین راه پیش روی ما برای رسیدن به یک ثبات و استقرار در پهنه‌ی جغرافیای ایران، لزوما گذار از این دو جریان توسعه‌طلب و مداخله‌جو و ایجاد یک حاکمیت پاسخگو به داخل با اتکا به مشارکت کلان در سطوح مختلف اجتماعی و اتنیکی و سیاسی است.



پیشمرگه، ضرورت و نیاز

به مناسبت ۲۶ آذر

به وفاداری به میهن قسم یاد می‌کند. این سوگند نه تنها ارزش سمبولیک خود را دارد، در واقعیت ذهنیتی در هر پیشمرگه درست می‌نماید، آن هم وفاداری به میهن است نه حزب دمکرات. این نیز خود می‌تواند اقدامی اعتمادبخش برای جریان‌های سیاسی دیگر باشد و کسانی که علاقه‌مندند تا بعنوان پیشمرگه مبارزه نمایند اما اصول فکری حزب دمکرات را قبول ندارند، برای مثال کسانی که استقلال طلب هستند یا افرادی که سوسیالیسم دمکرات را قبول ندارند. گام دوم تخصیص دادن آرم برای این نیرو بود که از طریق این آرم نیروی پیشمرگه کوردستان از جریان‌ها و احزاب دیگر جدا سازد. این اقدام باید با تاکید بیشتر بر این آرم به جای آرم حزب دمکرات، در لباس پیشمرگه‌های حزب بیشتر جای خود را باز نماید. اقداماتی که لازم است تا بیشتر صورت پذیرند اینست که نیروی پیشمرگه کوردستان به همه مبارزان کوردستان ایران نشان دهد که؛ نخستین نیروی تاثیرگذار است و در میدان مبارزاتی بطور مستمر حضور دارد و دوم؛ برای اینکه شخصی به نیروی پیشمرگه کوردستان ملحق گردد اجباری نیست که الزاما برنامه حزب دمکرات را قبول داشته باشد. در چنین شرایطی نیروی پیشمرگه کوردستان می‌تواند مکان مبارزات و مبارزاتی قابل اعتماد باشد برای همه افرادی که به دنبال مکانی مناسب برای مبارزه هستند. در همین ارتباط ضروری است تا نیروی پیشمرگه کوردستان در ابتدا از آموزشگاه خود آغاز نماید و پرورش و ایدئولوژی خود را بر موضوعاتی بیشتر نماید که وجود حزبی ندارند، یعنی موضوعاتی مانند تاریخ و جغرافیای کوردستان، زبان و ادبیات کوردی، شناختن جریانات نیروهای کوردستان و فکریت کلی و سیاسی در کوردستان و ... همچنین باید سیستمی تعیین نماید برای اینکه مقام گرفتن، پیشرفت و قبول مسئولیت در نیروی پیشمرگه کوردستان به کلی تخصصی گردند و از تصمیمات حزبی فاصله گیرند و تصمیمات سیاسی حزب از کار نظامی مستقل شود. این موضوع نقش و احساس مسئولیت جریان‌های دیگر کوردستان را می‌طلبد. لازم است تا این جریانات با دین این تغییرات که در نیروی پیشمرگه کوردستان مشاهده می‌گردد اعتماد کنند به این که نیروی پیشمرگه کوردستان دارد از نیرویی حزبی به نیروی میهنی، تخصصی و غیرحزبی تبدیل می‌شود که محافظ آسایش همه جریانات می‌گردد و فضایی ایجاد می‌کند که سیاست برای همه احزاب و جریانات در این فضا امکان بیشتری بیابد. لذا باید کمک حال باشند برای قدرتمندتر شدن این گام و همکاری نمودن با حزب دمکرات برای اقدامات بیشتر در تخصصی نمودن نیروی پیشمرگه کوردستان.

ندارد مگر آنکه در داخل آن نیروی پیشمرگه اجازه سیاسی برای توسعه خود را داشته باشد و خود را قدرتمندتر کند. یعنی هر راهدل سیاسی در کوردستان که عبارت نباشد از ساختار قانونی که اجازه بدهد که نیروی پیشمرگه خود را قدرتمندتر و گسترده‌تر کند به هیچ شیوه‌ای راه حل مسئله کورد نیست مگر آنکه راه حل پایانی کورد باشد بعنوان ملت و بعنوان وجودی متفاوت. اهمیت این موضوع حتی با ارتش ملی ایران و با حضور سرباز و افسران کورد نیز از بین نمی‌رود چون مسئله اصلی در اینجا بازگشت به امکان واحدی سیاسی برای صادر نمون فرمان تعیین دشمن خود ومقابله با این دشمن. در این شرایط ارتش ملی ایران برای مثال اگرچه کورد نیز در آن حضور داشته باشد به هیچ شیوه‌ای نمی‌تواند اجازه به این فرمان و این تصور بدهد چونکه این ارتش بعنوان ارتشی ملی دیگر یا در خوشبینانه‌ترین شرایط بعنوان نیروی محافظ آشتی چند ملیتی به حساب آمده که این امکان را برای هیچکدام از ملیتها فراهم نمی‌آورد تا با دشمنان مقابله کند. لذا در اینجا نقش حزب دمکرات بسیار مهم است. بعد از آغاز

توانایی ذهنی تصور جنگ با طرف مقابل را بطور کامل حذف نماید، دیگر نمی‌توان بعنوان واحدی سیاسی و یا بعنوان یک ملت به آن نگریست. آشکار است که در روابط بین‌المللی امروزی موضوعی وجود دارد به نام Deterrence یا پیشگیری، که در قالب این مبحث تعادل نیروی نظامی، سلاح هسته‌ای و امکان مقابله نظامی نیرومند از درگیری ملتها باهم جلوگیری می‌کند اما این بدان معنا نیست که ملتها؛ برنامه، سازمان و در نتیجه توانایی ذهنیتی جنگ با هر طرفی که تلاش است تا شیوه زندگی آنان را به خطر بیندازد را از دست بدهد. نیروی نظامی هر کشوری و در این بین پیشمرگه، این نقش اساسی را ایفا می‌کند لذا در حقیقت احترام نیروی نظامی پیشمرگه برمی‌گردد به آن که هر واحد سیاسی می‌داند که بدون وجود نیروی نظامی توانایی ذهنی تصور دفاع را از دست می‌دهد و بدین شیوه واحد سیاسی آن به اتمام می‌رسد و تحت سلطه واحد سیاسی دیگر قرار می‌گیرد که این واحد سیاسی تازه، دشمنان آن را تعیین می‌کند و فرمان جنگ را صادر می‌کند.

سوگندنامه نیروی پیشمرگه کوردستان درکلیت با نام این نیرو همخوانی دارد و به هیچ شیوه‌ای در این سوگندنامه برای وفاداری به حزب دمکرات سوگند یاد نمی‌شود بلکه هر پیشمرگه‌ای به وفاداری به میهن قسم یاد می‌کند. این سوگند نه تنها ارزش سمبولیک خود را دارد، در واقعیت ذهنیتی در هر پیشمرگه درست می‌نماید، آن هم وفاداری به میهن است نه حزب دمکرات.

در چند دهه گذشته مبارزات ملت کورد در کوردستان ایران، اگر حتی بعضی اوقات جنگ استمرار نداشته باشد اما وجود فیزیکی نیروی پیشمرگه حتی در کویه و مرتبط با این مفهوم همراه با فرهنگ عام ملت کورد چنان کرده که نخستین آنتاگونیسم یا مقابله به مثل که آشکارترین شیوه نمایان گشتن امر سیاسی است مستمر بماند و دوم اینکه تصور یا توانایی تصور جنگ با دشمن ناپود نگردد. اینکه پیشمرگه هم بعنوان سازمانی ملی و هم مانند معنا در جامعه کوردستان بطور مستمر وجود داشته چنان کرده که هم دشمن ملت کورد و هم ملت کورد در کوردستان ایران آنتاگونیسم فعال را احساس کنند و بدین شیوه هم در ذهن دشمن و هم در ذهن هر فرد کوردستانی، کوردستان ایران بعنوان واحدی سیاسی پایدار بماند. لذا در حقیقت می‌توانیم بگوییم که وجود فیزیکی پیشمرگه تنها فاکتوری است که می‌تواند ملت را مانند واحدی سیاسی در هر کدام از بخش‌های کوردستان حتی در حالت استقرار بهترین شیوه دمکراسی در ایران نه تنها پیشمرگه نباید اسلحه خود را بر زمین بگذارد بلکه هیچ راه چاره‌ای برای کورد امکان وجود



نیز بر اساس "اشمیت" به گونه‌ای تعیین می‌شود که آیا این جامعه طرف مقابل را که در صدد است تا ماهیت و هویت آنان را تغییر دهد بعنوان دشمن تلقی می‌کند یا نه. "اشمیت" می‌گوید اگر چه دشمنی اصلی در روزمرگی زندگی گم می‌شود اما عمل سیاسی این معیار آنتاگونیستی را در خود دارا می‌باشد.

"اشمیت" می‌گوید که واحد سیاسی آن واحدی است که بتواند در موضوع دوست و دشمن و مقابله با آن بتواند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید. اگر کشور (state) جامعه را به واحدی سیاسی مبدل می‌کند و تصمیم گیرنده اصلی

اقتصادی، امر سیاسی نیز لازم است تا دارای معیار مخصوص به خود باشد. نامبرده می‌گوید که معیار اساسی امر سیاسی بر جداسازی دوست و دشمن برمی‌گردد.

یعنی از دیدگاه "اشمیت"، اگر هر موضوع سیاسی را آنقدر تحلیل نماییم تا به ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین مواد تشکیل دهنده آن برسد، این اقدام جداسازی دوست و دشمن، یا بهتر بگوییم تعیین نمودن دشمن است. از دیدگاه کارل اشمیت موضوع امر سیاسی از معیارهای زیبایی، اخلاق یا منفعت اقتصادی مستقل است. ارائه اشمیت به هیچ شیوه‌ای نمی‌گوید که سیاست بدون

ملاحظات اخلاقی تعیین گردد بلکه تنها می‌گوید که برای اینکه دشمن، دشمن باشد، لازم نیست زشت باشد، جنگ اخلاقی باشد یا از لحاظ اقتصادی به آنها ضرر برساند، چونکه این معیارها، معیار امر زیباشناسی است، امری اخلاقی و امری اقتصادی است. همچنین در این موضوع اشمیت، دشمن در تمامیت خود دشمن است و با دشمنی شخصی تفاوت دارد. دشمن در این معنا، نه می‌تواند موضوع علاقه باشد و نه موضوع کینه و نفرت. یعنی امر سیاسی به عمیق ترین سطح آنتاگونیسم و دشمنی برمی‌گردد. از دیدگاه اشمیت هیچ معیار خارجی برای تعیین دشمن وجود ندارد یعنی تنها خود اجتماع است که می‌تواند تعیین کند که آیا دشمن مقابل وی می‌خواهد ماهیت وی را تغییر و جامعه آنان را به شکل دیگری تبدیل نماید و ضروری است که در مقابل آن ایستادگی کند و از ماهیت وجودی خود دفاع کند یا نه. این در شرایطی است که زیبا به نظر رسیده و دارای فرهنگی زیبا باشد، یا اگر با آن سازش نماید از لحاظ اقتصادی سود نماید یا حتی از لحاظ اخلاقی در سطحی مناسب قرار بگیرد، اما سرانجام طبیعت و هدف امر سیاسی تعیین دشمن و مقابله با آن دشمن است. دشمن

آرش صالح

در جهان مدرنیته، جامعه احترام و اعتقاد فراوانی برای افراد نظامی قائل است و در برخی مراحل حساس کشور خویش، بعنوان بهترین انتخاب برای رهبری جامعه به حساب می‌آیند. برای مثال آمریکایی‌ها بعد از دوران حساس جنگ جهانی دوم، ژنرال آژینهاور" را انتخاب نموده تا همانگونه که جنگ جهانی دوم را رهبری نمود، کشورشان را نیز در چنین شرایط حساسی رهبری کند، از ۴۵ رئیس جمهور آمریکا، ۱۲ رئیس جمهور آن ژنرال بوده‌اند و ۳۱ رئیس جمهور نیز افتخار نظامی‌گری دارند. این موضوع ریشه تاریخی دارد. در زمان یونان قدیم، برای قشر حکمران واژه "آریستوکراس" انتخاب کرده بودند. واژه "آریستوکراس" به معنای قدرت اشراف زادگان می‌آید. این واژه در ابتدا به کسانی گفته می‌شد که پیشرو سپاه یونان بود، یعنی جنگجویانی که در خط مقدم بوده و همگی در پی آنان می‌رفتند. سپس این قشر، نقش نظامی خود را به پهنای اجتماعی - سیاسی منتقل کرده و به رهبران جامعه نیز مبدل گشتند. این احترام جدا از اینکه از حس غریزه انسان نشأت گرفته، دارای ابعاد نیرومند عقلانیتی نیز می‌باشد که آن نیز به نقش نظامی آنان در تعریف و محافظت از جامعه در قواره سیاسی خویش برمی‌گردد. برای شفاف سازی بیشتر این موضوع ضروری است تا از چندین مفهوم فکریت ارائه شده آلمانی "کارل اشمیت" استفاده نماییم. ابتدا لازم است گفته شود که اگرچه ارائه‌های کلی اشمیت که ارائه‌ای محافظه‌کار است از سوی نویسنده مورد قبول نیست اما این مفاهیم که نامبرده معرفی و تعریف می‌نماید می‌تواند برای هدف این گفتمان مفید باشند. کارال اشمیت طی اقدامی مصرانه برای شناساندن امر سیاسی می‌گوید: همانگونه موضوع زیبایی شناسی، موضوع اخلاقی و موضوع اقتصادی دارای معیار خود هستند، مانند زیبایی و زشت؛ برای موضوعی زیباشناسانه، منفعت و زیان برای امر اخلاقی و مفید و مضر بودن برای امر

یلدا تولد پیشوای از جنس آفتاب

